

مفهوم شناسی محاذات و حکم احرام از آن

روزبه برکت‌رضایی*

چکیده

محاذات میقات، مسافتی عرفی - از راست و چپ - است که در امتداد و هم‌راستای میقات قرار داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که اگر از آن مکان به طرف مقصد (مکه) حرکت شود، میقات پشت قرار گیرد. حج‌گزاران و عمره‌گزارانی که به هر دلیل به یکی از میقات‌های منصوص پنج‌گانه نروند، حتی در صورت توانایی نیز لزومی ندارد به مواقبت بازگشته و می‌توانند از محاذات مواقبت، که محیط بر حرم هستند، احرام ببندند.

به استناد صحیح عبدالله بن سنان، جواز احرام از میقات مسجد شجره ثابت است و حکم جواز احرام از محاذات به سایر میقات‌ها نیز سرایت می‌کند. اصل عدم وجوب رفتن به میقات دیگر و اختصاص مواقبت منصوص، برای افرادی که از آنجا عبور می‌کنند - و نه تمامی مکلفین - مؤید نظریه جواز احرام از محاذات است. در تشخیص فرایند حکم احرام از محاذات مواقبت، شناخت موقعیت جغرافیایی محاذات و شعاع آن ضروری است. در این پژوهش کتابخانه‌ای، با کمک نقشه‌های برخط و ماهواره‌ای، بر اساس فرضیه مقبول محیط میقاتی، فاصله بین تمامی میقات‌ها، دقیقاً اندازه‌گیری شده و برای نخستین بار ملاک در تحقق محاذات عرفی را نصف بزرگ‌ترین ضلع این محیط معرفی کرده‌ایم؛ یعنی حد فاصل میقات جحفه تا میقات یلملم - که بیشترین فاصله بین دو میقات را از آن خود کرده‌اند - را معیار قرار داده و نصف آن را ملاک در فاصله با میقات در تحقق محاذات عرفی معرفی کرده‌ایم.

کلیدواژه: حج، احرام، میقات، محاذات، مسجد شجره.

* دانش‌آموخته سطح چهارم حوزه علمیه قم (hajj.ir@gmail.com)

مقدمه

افرادی که برای انجام حج یا عمره به مکه می‌روند، از یکی از میقات‌های پنج‌گانه - مسجد شجره، جحفه، عقیق، قرن المنازل و یلملم - احرام می‌بندند. (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۱۷۲) چه آنکه مشهور فقهای شیعه و اهل سنت میقات کسانی که محل سکونتشان از مکه بیش از شانزده فرسخ (حدود نود کیلومتر) فاصله دارد را آن پنج مکان دانسته‌اند. (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۴۵۵؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۱۶) حال اگر کسی به هر دلیلی از راه متعارف، که میقات در مسیرش باشد، نگذرد، وظیفه‌اش چیست؟ آیا شارع به غیر احرام از این مواقیت، راه جایگزینی تعیین کرده است؟ آیا اساساً می‌توان از محاذات و هم‌راستای میقات‌ها احرام بست؟ ادله و مبانی احرام از محاذات مواقیت چیست؟ مفهوم و ماهیت محاذات چیست؟ مبانی تشخیص محاذات چیست؟

نخستین عمل در حج و عمره احرام است. میان فقیهان امامیه اجماع است که احرام باید در مکان‌هایی که شارع تعیین کرده، انجام پذیرد. بنابراین احرام فقط در میقات منعقد می‌شود. (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۹۱) بدین جهت، شناخت مواقیت، مقدمه علمی برای احرام حج و عمره است. در واقع اگر مواقیت شناخته نشود، امکان احراز امتثال وجود نخواهد داشت؛ پس وجوب تعلم و شناخت مواقیت، عقلی و شرعی طریقی است.

افرادی که منازلشان دورتر از مواقیت معروف پنج‌گانه است و در اصطلاح فقهی به آنان «نائی» گفته می‌شود به هر عنوان (چه حج و چه عمره) که بخواهند وارد شهر مکه شوند، مسلماً نمی‌توانند بدون احرام از میقات بگذرند و در صورت مرور از میقات، باید در آنجا احرام ببندند. بنابراین افراد آفاقی در حالت طبیعی از یکی از میقات‌های منصوص احرام می‌بندند. روشن است این میقات‌ها برای افرادی قرار داده شده است که از آنجا عبور کنند؛ اما اگر کسی به هر دلیل، خواه اختیاراً و خواه

اضطراباً از این میقات‌ها عبور نکنند، حکم وجوب احرام از آن مواقیت بر وی تعلق نخواهد گرفت. اینان می‌توانند به گونه‌ای دیگر نیز وظیفه خود را انجام دهند و به دیدگاه مشهور فقیهان حتی، در صورت تمکن، لزومی به عبور از این میقات‌ها نیست. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۳؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۴۱؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۲۲۳)

هرچند تبیین موضوع بر حکم تقدم رتبی دارد، ولی ما در اینجا برخلاف قاعده نخست حکم احرام از محاذات را بررسی، و در ادامه به مفهوم‌شناسی محاذات و طرح نظریه نو در آن باره خواهیم پرداخت.

حکم احرام از محاذات

بحثی میان فقیهان امامیه مطرح است که آیا مواقیت محیط بر حرم بوده و از هر راهی که عازم مکه شویم، با مواقیت یا محاذات آن روبه‌رو می‌شویم یا اینکه هنگام ورود به حرم در برخی از زوایا میقات یا محاذی شرعی وجود ندارد؟

نظریه نخست: صاحب مستند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۲۸۳)، صاحب ریاض (طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۷۰)، صاحب جواهر (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۱۸) و صاحب عروه (یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۹) برآنند، مواقیت در همه اطراف، محیط بر حرم قرار گرفته است. بدین سان که اگر به فرض خطوط دائره‌ای بر اطراف حرم کشیده شود، هر نقطه‌ای روی این خطوط دائره‌ای یا میقات است یا محاذی میقات. بنابراین نمی‌توان نقطه‌ای را تصور کرد که نه میقات و نه محاذی میقات باشد؛ تا جایی که صاحب مستند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۲۸۳) فرض اینکه کسی بتواند از میقات یا هم‌راستای آنها نگذرد را لغو دانسته است؛ چراکه معتقد است چنین موضوعی وجود خارجی ندارد و اساساً نمی‌توان نقطه‌ای پیدا کرد که نه میقات و نه محاذی میقات باشد.

نظریه دوم: عده‌ای از اندیشمندان، همچون آقاضیا عراقی، مرحوم نائینی، آیت‌الله بروجردی و محقق خوئی در حاشیه خود بر عروة الوثقی (یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۹) معتقدند: هر چند مواقیت محیط به حرم هستند، ولی می‌توان نقطه‌ای را فرض کرد که نه میقات و نه محاذی میقات باشد. اگر ملاک در شناخت محاذات دقت علمی و عقلی باشد، نظریه اول صحیح است؛ زیرا ملاک در محاذات عرف عام است (یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۷)؛ همان‌گونه که محقق خوئی (خوئی، المعتمد فی شرح العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۷۸) بیان داشته: در عرف عام، مسافت زیاد نسبت به میقات یا اساساً به آن محاذی گفته نمی‌شود یا مطابق دیدگاه مرحوم حکیم (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۷۸) اگر هم محاذی باشد، حکم محاذات را ندارد. توضیح آنکه: با دقت در نقشه مواقیت درمی‌یابیم که حدوداً چهار میقات در یک چهارم از دایره فرضی محیط بر حرم و در سه چهارم باقی‌مانده فقط یک میقات - یلملم - وجود دارد؛ اگرچه به حسب قواعد علمی و ثبوتاً، فاصله طولی بین «یلملم» و «عقیق» از نظر محاذات، میقات است؛ اما با این فاصله زیاد میان این دو میقات، عرفاً محاذات صدق نمی‌کند و اگر هم صدق کند، حکم میقات را ندارد و اثباتاً دلیل شرعی بر موضوعیت چنین محاذاتی مشکل است. بنابراین به راحتی می‌توان نقاطی را یافت که نه میقات و نه محاذی میقات باشد.

به نظر می‌رسد، دیدگاه دوم صحیح است؛ زیرا مواقیت در نیم‌دایره شرقی مکه واقع شده‌اند و نه دور تا دور حرم؛ طبیعی است که در نیم‌دایره غربی - در طرف دریای سرخ - می‌توان نقطه یا نقاطی را فرض کرد که نه میقات و نه محاذی میقات باشد. از طرفی با توجه به امکان استفاده از پروازهای هوایی، تصور ورود به منطقه بدون عبور از میقات و هم‌راستای آنها ملموس‌تر است. اما به فرض اگر کسی میزان را دقت عقلی بداند یا ملاک را عرف دانسته و بپذیرد که دوری و نزدیکی دخالتی در صدق محاذات ندارد و همچنین مسافت زیاد را ضروری به صدق محاذات نداند یا محاذات هوایی را هم محاذات بشمرد، نظریه اول برتری می‌یابد.

پس از طرح این مسئله مقدماتی باید حکم احرام از محاذات را با توجه به اقوال و ادله شرعی بررسی کنیم.

۱. اقوال فقها

در این زمینه دو نظریه کلی (جواز و عدم جواز احرام از محاذات) میان فقیهان وجود دارد:

الف) جواز احرام از محاذات

شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۳) نخستین فقیه شیعی است که مسئله محاذات را عنوان، و آن را پذیرفته است. ابن ابی مجد حلبی (حلبی، ۱۴۱۴، ص ۱۲۵) جواز صحت احرام در محاذات را به حالت ضرورت اختصاص داده، ولی دیگران به طور مطلق آن را پذیرفته‌اند. ابن ادریس (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۲۹)، ابن سعید حلّی (ابن سعید حلّی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۸۱)، علامه حلّی (علامه حلّی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۱۶)، (همو، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۷۱)، شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۴۱)، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۱۶) و دیگران بر اصل صحت احرام از محاذات تصریح دارند؛ تا جایی که برخی (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۹۴؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۸۷؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۱۵؛ حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۷۴) قائل به وجود شهرت قوی بین فقها در اصل صحت احرام از محاذات مسجد شجره می‌باشند.

به طور کلی در اصل جواز احرام از محاذات، میان فقیهان همه مذاهب اسلامی شبه اجماع وجود دارد. همه فقهای امامیه (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۸۷) و فقهای اهل سنت (ابن حزم، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۷۳؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۱۳) قائل به جواز احرام از محاذات مسجد شجره هستند و مخالفی گزارش نشده است. دیدگاه اکثر فقیهان امامیه (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۸۸) و اتفاق فقیهان حنفی (کاسانی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۶۴؛ ابن

عابدین، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۲۴)، حنبلی (مرداوی، ۱۹۹۷، ج ۳، ص ۴۲۷)، مالکی (خطاب الرعینی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۴۷) و شافعی (الرافعی، ج ۷، ص ۸۵) نیز بر صحت احرام در محاذات سایر میقات‌ها (جحفه، عقیق، یلملم و قرن المنازل) است.

ب) عدم جواز احرام از محاذات

هرچند در جواز احرام از محاذات مسجد شجره میان فقیهان اتفاق است، ولی در مورد تسری حکم محاذات شجره به دیگر میقات‌ها میان فقیهان امامیه اختلاف است. نخستین بار مرحوم محقق به اجمال، با انتساب دیدگاه جواز احرام از محاذات به «قیل»، ظاهراً به نوعی قائل به توقف در مسئله شده است. (محقق حلی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۴۱) مقدس اردبیلی (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۱۸۶) و به پیروی از ایشان صاحب مدارک (موسوی عاملی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۲۲۳)، مرحوم سبزواری (محقق سبزواری، ج ۳، ص ۵۷۷)، محدث بحرانی (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۴۰، ج ۱۴، ص ۴۵۲) و آیت‌الله خوئی (خوئی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۷۰؛ یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۵) احرام از محاذات سایر مواقیت - به غیر از مسجد شجره - را نپذیرفته‌اند.

۲. ادله مسئله

الف) ادله جواز احرام از محاذات

دلیل اول: صحیح عبدالله بن سنان

صحیح «عبدالله بن سنان» دلالت روشن بر صحت احرام از محاذات دارد. در این روایت آمده است:

محمد بن یعقوب عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن الحسن بن محبوب عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله قال: «مَنْ أَقَامَ بِالْمَدِينَةِ شَهْرًا وَهُوَ يُرِيدُ الْحَجَّ ثُمَّ بَدَأَ

لَهُ أَنْ يَخْرُجَ فِي غَيْرِ طَرِيقِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ الَّذِي يَأْخُذُونَهُ فَلْيَكُنْ إِحْرَامُهُ مِنْ مَسِيرَةِ سِتَّةِ
أَمْيَالٍ فَيَكُونُ حِذَاءَ الشَّجَرَةِ مِنَ الْبَيْدَاءِ.» (كلینی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۳۲۱)

عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که در مدینه یک ماه اقامت کرد و خواست در حج شرکت کند، آنگاه تصمیم گرفت که از راه غیر اهل مدینه برود، احرام او از شش میلی و از بیداء مقابل مسجد شجره خواهد بود.»

در مورد سند روایت، طریق کلینی به احمد بن محمد بن عیسی و احمد بن محمد بن خالد برقی صحیح است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۷۸؛ علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۱)؛ چه آنکه اگر همه نیز مجهول باشند، باز ضرری به «عدة من أصحابنا» نمی‌زند؛ چون قطعاً یک عده توطی بر کذب نمی‌کنند. سایر روایات نیز همگی از اجلا هستند و توثیق خاص دارند. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۷۶، ۸۳، ۲۱۴ و ۳۴۹)

این روایت می‌فرماید: کسی که یک ماه در مدینه اقامت داشته و هم‌اکنون می‌خواهد حج انجام دهد، اما تصمیم گرفته از جاده اصلی، که مردم مدینه برای حج می‌روند و از کنار مسجد شجره می‌گذرد، نرفته و از جاده دیگری برود، باید وقتی به شش میل رسید، آنجا محرم شود تا محاذات و هم‌راستای شجره از بیدا باشد.

توضیح آنکه: از آن جهت که راه معمول آن روزگار از مدینه منوره تا مسجد شجره شش میل بوده، این روایت می‌فرماید: کسی هم که می‌خواهد از جاده دوم برود، باید پس از گذشت شش میل، احرام ببندد تا هم‌راستای مسجد شجره باشد. در این روایت موضوع و محور صدق محاذات است، نه پیمودن شش میل؛ چه آنکه اگر کسی بخواهد به فرض از راه فرعی و متمایل برود، علی‌القاعده بیش از شش میل را باید طی کند تا به محاذات مسجد شجره برسد. (سبحانی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۵۲۸)

آن‌گونه که اکثر فقها (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۱۷) فرموده‌اند: از روایت استفاده می‌شود، هرچند فرد توان عبور از مسیر شجره را داشته باشد، اما

احرام از «محاذات» کفایت می‌کند. اطلاق صحیح عبدالله بن سنان بر جواز احرام از محاذات مسجد شجره، حتی در صورت تمکن، تام است و با توجه به اطلاق، دیگر اخذ به قدر متیقن - آن‌گونه که کاشف الغطا (یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۶) بیان داشته - پذیرفتنی نیست. لازمه سخن ایشان این است که در صورت عذر نمی‌توان از محاذات احرام بست!

گفتنی است در مجامع روایی، روایت دیگری (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۷) به همین مضمون موجود است که راوی و مروی‌عنه هر دو یکسان است و ظاهراً هر دو یک روایت هستند ولی در الفاظ کمی متفاوت‌اند.

دلیل دوم: اصل عدم وجوب رفتن به میقات دیگر

همان‌طور که صاحب مدارک (موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۲۲۴)، صاحب ذخیره (محقق سبزواری، ج ۳، ص ۵۷۷)، صاحب ریاض (طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۹۳)، صاحب جواهر (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۱۵) و دیگران بیان داشته‌اند، اصالت برائت بر احرام از محاذات دلالت دارد. بدین سان که شک داریم آیا باید برای احرام به مواقیت رجوع کرده و مسافتی بیشتر از نقطه محاذات طی کرد یا همان میزان کفایت می‌کند، اصل عدم رجوع زیادتر است. یا آنکه به قاعده لاجرح تمسک کرده و بگوییم رفتن به میقات دیگر واجب نیست. (طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۹۴)

نقد و بررسی

با وجود ادله اجتهادیه و صحیح عبدالله بن سنان، نمی‌توان به اصل برائت رجوع کرد؛ این اصل در طول ادله لفظیه بوده و حتی اگر شکی هم باشد، باید به اطلاقات مراجعه شود. در واقع، اینجا شک در اصل تکلیف نیست که اصل برائت جاری شود؛ بلکه شک در مکلف‌به است؛ یعنی این فرد می‌داند که باید محرم شود؛ اما

نمی‌داند که آیا می‌تواند از محاذات محرم شود یا باید به یکی از میقات‌های پنج‌گانه برود. بنابراین باید قاعده اشتغال جاری شود.

همچنین تمسک به لاحرج نیز صحیح نیست؛ چراکه مفاد لاحرج، حکمی نفی‌ای است و قدرت اثبات جواز احرام از محاذات را ندارد. بدیهی است، حکم جواز نیاز به دلیل دارد. هر چند لاحرج می‌تواند رفتن به میقات را به خاطر حرج، نفی کند؛ ولی هیچ‌گاه توان اثبات حکم جواز احرام از محاذات را ندارد.

ب) ادله عدم جواز احرام از محاذات

دلیل اول: انحصار احرام در مواقیت منصوص

به روایات فراوانی استناد می‌شود؛ از جمله حلبی گوید که امام صادق علیه السلام فرمود:

الإِحْرَامُ مِنْ مَوَاقِيتِ خَمْسَةٍ وَقَتَّهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَنْبَغِي لِحَاجٍّ وَلَا لِمُعْتَمِرٍ أَنْ يُحْرِمَ قَبْلَهَا وَلَا بَعْدَهَا. (کلینی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۳۱۹)

احرام از پنج میقات است که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار داده که برای حج گزار و عمره گزار شایسته نیست که پیش از آن و پس از آن محرم شود.

صحیح معاویه بن عمار:

مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ أَنْ تُحْرِمَ مِنَ الْمَوَاقِيتِ الَّتِي وَقَّتَّهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَا تُجَاوِزَهَا إِلَّا وَأَنْتَ مُحْرِمٌ. (کلینی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۳۱۸)

از تمامیت حج و عمره آن است که از میقات‌هایی احرام ببندی که پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تعیین کرده است و جز با حالت احرام از آنها نگذری.

و روایت علی بن جعفر: مواقیت منحصر در میقات‌های مشخص شده توسط رسول خداست. (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۲۴۵)

به اقتضای اطلاق این روایات، احرام در غیر از میقات‌های پنج‌گانه و از جمله

احرام از محاذات مواقیت جایز نخواهد بود. گفتنی است، عدم اعتنا به این اطلاقات نیازمند دلیلی قاطع است که موجود نیست. (خوئی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۷۱)

نقد و بررسی

این روایات وظیفه کسانی را مشخص کرده که برای حج و عمره از میقات‌های پنج‌گانه عبور کنند و بدیهی است که باید از مواقیت احرام ببندند؛ ولی دلالت بر انحصار عبور از این پنج مکان را ندارد.

به فرض اگر اطلاق این روایات را بپذیریم، این اطلاق به روایت صفوان بن یحیی تقیید خواهد خورد؛

صفوان بن یحیی گوید که طی نامه‌ای به امام رضا علیه السلام نوشتم: «بعضی از دوستان شما در بصره از وسط میقات عقیق محرم می‌شوند. در آنجا آب و منزل نیست و آنها در آنجا به مشقت و سختی می‌افتند و همراهان و شتردارانشان آنها را به عجله وامی‌دارند و پس از بطن عقیق، به فاصله پانزده میلی، منزلی است که در آن آب است و آن منزلی است که در آن فرود می‌آیند. آیا اجازه می‌فرمایید که از آنجا که آب است، محرم شوند تا به آسانی و راحتی انجام دهند؟» حضرتش در پاسخ نوشت:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَقَّتَ الْمَوَاقِيتَ لِأَهْلِهَا وَلَمَنْ أَتَى عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا وَفِيهَا رُخْصَةٌ لِمَنْ كَانَتْ بِهِ عِلَّةٌ فَلَا يُجَاوِزُ الْمِيقَاتَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ. (کلینی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۳۲۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله میقات‌ها را برای مردمان آنها قرار داد و همین‌طور برای غیر مردمان آن میقات‌ها، که از آن بگذرد و اگر کسی بیمار باشد، برای او رخصت داده شده است و بنابراین کسی نمی‌تواند [بدون احرام] از میقات بگذرد؛ مگر اینکه بیمار باشد.

از این صحیح‌ه برداشت می‌شود که مواقیت به افرادی که از مردمان این میقات‌ها

یا افرادی که از آن مواقیت عبور کنند، اختصاص دارد؛ اما نسبت به افرادی که از راهی بگذرند که اساساً از میقات نگذشته باشند، ساکت است و نمی‌توان حکم الزام احرام از میقات را شامل آنان دانست. همچنین اگر آن روایات دارای اطلاق باشند، باید بپذیریم که مردمان هر منطقه فقط و منحصرأً از همان میقات خویش احرام ببندند که این نکته نیز با روایت صفوان بن یحیی و سیره همخوانی ندارد.

دلیل دوم: انحصار صحیح عبدالله بن سنان به مسجد شجره

هر چند به استناد صحیح عبدالله بن سنان صحت جواز احرام از میقات ذی‌الحلیفه را می‌پذیریم؛ اما تسری حکم آن به سایر مواقیت پذیرفتنی نیست. در این روایت پنج قید «اقامت»، «مدینه»، «ماه قمری»، «عدم قصد از ابتدا» و «مسجد شجره» وجود دارد. اگر این قیود را احترازی بپنداریم، حکم محاذات، تسری به سایر میقات‌ها پیدا نمی‌کند؛ ولی اگر قیود را غالبی بدانیم، حکم به سایر مواقیت سرایت پیدا خواهد کرد؛ برای نمونه یکی از قیود، ثبوت حکم برای افراد مقیم در مدینه است. پس اگر متوطن باشد، نمی‌تواند از هم‌راستای شجره محرم شود یا در قید دیگر آمده که فرد یک ماه در مدینه اقامت داشته باشد و طبیعتاً اگر کمتر از یک ماه باشد، نمی‌تواند از محاذات عبور کند.

آن‌گونه که محقق اردبیلی (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۸۶) به عنوان احتمال، صاحب حدائق به عنوان اشکال (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۴۵۲) و محقق خوئی (خوئی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۷۰) به طور قطعی گفته‌اند: شجره قید موضوع است؛ زیرا اصل در قیود احترازی بودن است؛ خصوصاً با توجه به اینکه احرام از محاذات خلاف قواعد است. لذا باید این خصوصیت دخالت در ملاک شارع داشته باشد و موضوع حکم باشد؛ به ویژه با توجه به اینکه قید در کلام سائل نبوده و بلکه در کلام معصوم است. قابل دقت است که صرف احتمال دخالت شجره در موضوع، برای حکم به عدم جواز کافی است؛ در نتیجه احرام از محاذات سایر

مواقیت جایز نیست.

آیت‌الله خوئی (یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۵) همچنین معتقد است: مسجد شجره دارای خصوصیت ویژه‌ای است که سایر میقات‌ها فاقد آن هستند؛ در میقات ذی‌الحلیفه مستحب است احرام در مسجد منعقد شده ولیکن تلبیه در پیدا گفته شود. پس بعید نیست جواز صحت محاذات فقط در همین میقات باشد، نه دیگر میقات‌ها.

نقد و بررسی

عنوان شجره هیچ خصوصیتی ندارد؛ بلکه ذکر شجره از باب غالب است؛ از آن جهت که نوعاً مردم از مسجد شجره محرم می‌شوند و با توجه به اینکه خود حضرت هم مدنی بوده و سخندانان، تا اقرب است، حکم ابعاد را بیان نمی‌کنند و با توجه به اینکه مخاطب نیز اهل مدینه است، همگی قرینه‌اند که بیان شجره از باب تغلیب بوده است؛ و گرنه خصوصیتی در پی ندارد.

بنابراین قید مسجد شجره ظهور در احترازیت ندارد و اگر هم فی‌الجمله ظهوری داشته باشد، به قرینه وحدت سیاق در روایت از این ظهور رفع ید می‌شود؛ چه آنکه در چهار قید دیگر (اقامت، مدینه، ماه قمری، عدم قصد از ابتدا) اختلافی نیست. بنابراین حمل بر قید غالبی بودن مسجد شجره نیز برتری می‌یابد.

گفتنی است آن‌گونه که آیت‌الله خوئی مدعی اختصاص حکم برای میقات شجره شده‌اند، ثابت نبوده و دارای نقض است؛ چه آنکه در میقات عقیق نیز به استناد صحیح هشام بن حکم (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۸) استحباب بر تفکیک احرام و تلبیه است و مهم‌تر آنکه بین این فارق و جواز احرام از محاذات علاقه‌ای وجود ندارد. (سیستانی، ۱۴۳۷، ج ۱۰، ص ۵۶۱)

همچنین اختصاص حکم محاذات برای آنکه قبل از رفتن به مکان محاذی به

مدینه آمده باشد (حسینی روحانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۳) پذیرفتنی نیست؛ زیرا عبور از مدینه موجب تعیین احرام از شجره نخواهد بود و مکلف مختار به احرام به میقاتی دگر است. (سیستانی، ۱۴۳۷، ج ۱۰، ص ۵۵۸)

برخی از بزرگان به گونه‌هایی دیگر نیز حکم جواز احرام از تمامی میقات‌ها را اثبات کرده‌اند: آیت‌الله فیاض (فیاض، ج ۱۰، ص ۱۰) بر آن است که متفاهم عرفی از صحیح عبدالله بن سنان، به تناسب حکم و موضوع، آن است که محاذات تمام موضوع حکم است و عنوان شجره به عنوان یک فرد از موضوع کلی است.

آیت‌الله حکیم (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۷۶) نیز معتقد است: صحیح عبدالله بن سنان بر جواز احرام از محاذات شجره دلالت دارد و از آن جهت که کسی قائل به تفاوت بین شجره و دیگر مواقیت نیست، بنابراین حکمش شامل دیگر مواقیت نیز است.

آیت‌الله محقق داماد (محقق داماد، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۶۱۶) از روشی دیگر بهره گرفته است. ایشان می‌گویند: «سیره عامه صحت احرام از محاذات است و اگر این عمل مشروع و مجزی نبود، قطعاً ردع و نهی‌ای از طرف ائمه علیهم‌السلام به ما می‌رسید. بنابراین این خود نشانگر موافقت آنان بر جواز احرام از محاذات است.»

شاید بتوان پذیرفت که متفاهم عرفی از روایت به ضمیمه فضای فقهی رایج در زمان ائمه علیهم‌السلام - جواز احرام از محاذات -، بیان محاذات مسجد شجره خواهد بود و در واقع تطبیق برای کبرای کلی جواز احرام از مواقیت است. بنابراین عنوان ذی‌الحلیفه خصوصیتی در حکم جواز احرام از محاذات در صحیح عبدالله بن سنان ندارد. (سیستانی، ۱۴۳۷، ج ۱۰، ص ۵۶۲)

دلیل سوم: روایت ابراهیم بن عبدالحمید

صاحب ذخیره (سبزواری، ج ۳، ص ۵۷۷) و صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۰۵،

ج ۱۴، ص ۴۵۲) به روایت ابراهیم بن عبدالحمید بر عدم جواز عدول از مسجد شجره استدلال کرده‌اند:

محمد بن الحسن باسناده عن موسى بن القاسم عن جعفر بن محمد بن حكيم عن إبراهيم بن عبد الحميد عن أبي الحسن موسى قال: «سألتُه عن قوم قدموا المدينة فخافوا كثرة البرد وكثرة الأيام يعني الإحرام من الشجرة فأرادوا أن يأخذوا منها إلى ذات عرق فيحرموا منها، فقال: لا وهو مغضب من دخل المدينة فليس له أن يحرم إلا من المدينة». (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۷)

ابراهیم بن عبدالحمید گوید: از امام کاظم علیه السلام در مورد تکلیف گروهی پرسیدم که وارد مدینه شده و به جهت سرمای زیاد و طولانی شدن ایام در صورت احرام از شجره، می‌خواهند از آنجا گذشته و در ذات عرق احرام ببندند. فرمود: «جایز نیست و مورد غضب است. هر کس داخل مدینه شود، باید از همان مدینه محرم شود».

تمامی سند روایت، به جز «جعفر بن محمد بن حکیم الخثعمی» معتبر است؛ ایشان نیز گرچه در اسناد کامل الزیارات قرار دارد، چون به دیدگاه پذیرفته شده فقط اساتید بلاواسطه ابن قولویه ثقة هستند، نه جمیع وسائط اسناد کامل الزیارات، توثیق خاص ندارد.

به هر حال، اطلاق روایت عبدالحمید بر عدم جواز عدول از مسجد شجره دلالت دارد.

همچنین به گفته کاشف اللثام (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۲۲۴) روایتی - هر چند مرسله - که مرحوم کلینی پس از صحیح عبدالله بن سنان نقل کرده «یحرم من الشجرة ثم يأخذ أي طريق شاء» (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۲۱) بر عدم جواز عدول از مسجد شجره دلالت دارد. در نتیجه نمی‌توان از محاذات مسجد شجره و به طریق اولی از محاذات سایر میقات‌ها احرام بست.

نقد و بررسی

اولاً این دو روایت ضعیف بوده و فقها از آن روی گردانده‌اند. در نتیجه توان معارضه با صحیح عبدالله بن سنان را ندارند. (طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۹۴؛ حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۷۵)

ثانیاً جواز احرام از محاذات را اصل برائت از لزوم رفتن به میقات‌ها، نفی حرج در اسلام، به ویژه در مناسک حج و شهرت فراوان فقیهان پشتیبانی می‌کند. (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۸۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۹۴)

ثالثاً روایت ابراهیم بن عبدالحمید را می‌توان حمل بر کراهت کرد. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۱۲)

رابعاً اساساً تعارضی بین روایت ابراهیم بن عبدالحمید و عبدالله بن سنان وجود ندارد؛ چه آنکه یا بگوییم: روایت ابراهیم بر منع عبور از شجره و رفتن به میقات دیگر دلالت داشته و طبیعی است هرگاه فرد رأساً از محاذات احرام ببندد، شامل این منع نخواهد بود. (خوئی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۶۹) یا آنکه بگوییم: در این روایت، نهی از احرام غیر شجره شده است؛ یعنی مکلف حق ندارد از چهار میقات دیگر محرم شود و اساساً روایت ناظر به احرام از محاذات نبوده است؛ زیرا محاذات میقات نیست یا اینکه معتقد شویم: رابطه این دو روایت از نوع حکومت به صورت توسعه است؛ یعنی یک روایت بیانگر لزوم احرام از شجره و روایت دیگر، قلمرو احرام را گسترش داده و مصداق دیگر (محاذات) را در دایره حکم جواز احرام قرار داده است. (سیستانی، ۱۴۳۷، ج ۱۰، ص ۵۶۳)

کوتاه سخن آنکه: همان‌طور که جواز احرام از محاذات میقات مسجد شجره ثابت است، جواز احرام از محاذات سایر مواقیت نیز، به دلیل غالبی بودن قیود صحیح عبدالله بن سنان، ثابت است.

حقیقت محاذات

پس از روشن شدن ادله شرعی و دیدگاه فقیهان درباره صحت و جواز احرام از محاذات میقات‌ها، باید درباره تعریف هم‌راستا و محاذی میقات - که دارای چند تفسیر متنوع نیز هست - به بحث و بررسی بنشینیم:

صاحب عروه (یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۵) احتمال داده که مراد از هم‌راستا و محاذی، مکانی است که مسافت بین آن مکان و مقصد (مکه) به مقدار و مساوی با مسافت بین آن میقات تا مقصد (مکه) باشد؛ مثلاً اگر مسافت شجره تا مکه مکرمه چهارصد کیلومتر باشد، اگر به مکانی رسیدیم که مسافت آن مکان تا مکه چهارصد کیلومتر است، این مکان نامش محاذی شجره خواهد بود. در این تعریف، مقصد ملاک قرار گرفته است و در واقع، باید میزان فاصله بین مسجد شجره تا مکه را با خطی مستقیم مشخص کرد؛ سپس هرگاه فرد از هر راه دیگری به مکه رهسپار شود، به مجرد رسیدن به نقطه‌ای که فاصله‌اش تا مکه به مقدار فاصله مسجد شجره تا مکه باشد، محاذات مسجد شجره خواهد بود.

در نقد این معیار می‌توان گفت: ضابطه طرح شده دارای نقض مصداقی فراوان است؛ در برخی موارد معیار قاعده وجود دارد، اما محاذات صدق نمی‌کند؛ برای نمونه، اگر دایره‌ای را فرض کنیم که مکه در مرکز آن واقع شود و مسجد شجره روی خط دایره قرار گیرد، هرگاه در هر جای از این دایره خطی کشیده شود، فاصله‌اش با مکه مساوی با فاصله مسجد شجره با مکه است؛ هر چند این نقطه دقیقاً مقابل مسجد شجره باشد. (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۷۷؛ خوئی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۹۵) به بیانی دیگر، به نقاط روی دایره، که در فاصله ۱۸۰ درجه با مسجد شجره قرار دارند نقاط مقابل و روبه‌رو گفته می‌شود، نه محاذات. (یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۵ - ۶۳۷؛ حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۷۸) به طور کلی به مکانی که بیشتر از ۴۵ درجه با مسجد شجره اختلاف داشته باشد، عرفاً اطلاق محاذات نمی‌شود؛

حال آنکه در این تعریف، نقاط فراوانی هم فاصله با مرکز دایره فرض می‌شود و مطابق این ملاک و معیار، محاذات است!

شاید در پاسخ بتوان گفت: روشن است که در این تعریف به نوعی تسامح عرفی به کار رفته و در واقع مراد از ضابطه، افرادی است که در یک جهت قرار گرفته باشند. (سبحانی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۵۳۵) بنابراین این اشکال اساساً تحقق نمی‌یابد.

مرحوم سید طباطبایی یزدی در ادامه دیدگاه دیگری را طرح کرده و فرموده است: «کوتاه‌ترین فاصله‌ای که شخص با میقات می‌تواند داشته باشد، محاذات محاسبه می‌شود»؛ به عبارت دیگر وقتی فرد به مکانی رسید که فاصله آن مکان تا میقات از بقیه مکان‌هایی که در مسیر است، کمتر باشد، محاذات تحقق می‌یابد.

اکثر حاشیه‌نویسان عروه (یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۵) بر این معیار - نزدیک‌ترین راه بین شخص تا میقات - افزوده‌اند که محاذات، در راست و چپ میقات قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که اگر از آن مکان به طرف مکه حرکت شود، میقات پشت قرار خواهد گرفت.

گفتنی است، از جهت لغوی (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۹۷)، محاذی به دو مکان کنار یکدیگر گفته می‌شود، از این رو به پشت یا جلو محاذات اطلاق نمی‌گردد. همچنین از روایات کتاب الصلاة و سائل الشیعه (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۴۰۶)، که در مورد محاذی مأموم با امام وارد شده، می‌توان سود جست؛ در روایتی، راوی از حضرت سؤال کرده است: «کسی وارد مسجد می‌شود و صفوف پر است؛ آیا می‌تواند در یک صف به تنهایی بایستد؟» حضرت فرمودند: «می‌تواند کنار و به حذای امام بایستد».

با توجه به اینکه خلف امام جا وجود ندارد، مشخص می‌شود که مراد از حذای امام، راست و چپ است.

به نظر می‌رسد، تفسیر دوم با روایت عبدالله بن سنان سازگاری بیشتری دارد؛ چه آنکه فرد پس از خروج از مدینه و پیمودن شش میل، هم راستای شجره قرار می‌گیرد؛

یعنی اگر خط مستقیم عرفی از آنجا تا شجره کشیده شود، در امتداد یکدیگر قرار دارند. بنابراین باید به اندازه فاصله مسجد شجره با مدینه طی مسافت شود تا در امتداد و هم‌راستای شجره قرار گیرد. در این تفسیر قبلیت و بعدیت مطرح نیست و همین که فرد از راست یا چپ، در امتداد مسجد شجره قرار گیرد، کفایت می‌کند. آیت‌الله سیستانی آورده است: «اگر دو خط متقاطع را فرض کنیم که زاویه قائمه‌ای را تشکیل می‌دهند و یکی از آنها از مکه می‌گذرد و دیگری از میقات، نقطه تقاطع، محل محاذات با میقات است و معیار در این امر صدق عرفی است؛ نه دقت عقلی». (پژوهشکده حج، ۱۳۸۶، ص ۲۱۳)

نکته قابل توجه این است که برخی از فقیهان، معیار محاذات را فاصله میقات تا مقصد (مکه) عنوان کرده‌اند، در حالی که ظاهر روایت عبدالله بن سنان، فاصله مدینه (مبدأ) تا میقات را بیان داشته است. بنابراین هرگاه ما از راهی دیگر به غیر از راه معمول از مدینه به طرف مکه رویم و به میزان فاصله معمول مدینه تا میقات شجره را طی کنیم، طبیعی است به محاذات ذی‌الحلیفه خواهیم رسید و احرام در آن جایز است.

عرفی بودن محاذات

همان‌گونه که سید یزدی (یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۷)، مرحوم نائینی (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۰۹) و دیگران فرموده‌اند: مراد از محاذات، هم‌راستایی «عرفی» است و طبیعی است که در محاذات عرفی، دقت عقلی جایگاهی ندارد؛ یعنی همین که فرد، عرفاً در طرف راست یا چپ میقات قرار گیرد، کفایت می‌کند؛ هرچند با دقت علمی پشت میقات محسوب گردد و اگر خط مستقیمی کشیده شود، به نقطه قبل از میقات برخورد خواهد کرد؛ ولی اگر عرفاً این نقطه راست یا چپ میقات به حساب آید، کافی بوده و هم‌راستا و محاذات محسوب می‌شود؛ چراکه هر مفهومی که موضوع برای حکم قرار می‌گیرد، اگر حقیقت شرعی در آن وجود

نداشته باشد، باید به عرف عام مراجعه شود. چپ و راست در صدق محاذات نیز از مسلمات عرفی است. (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۷۸) هرچند امروزه می‌توان از تکنولوژی‌های جدید، در تعیین دقیق هم‌راستایی میقات بهره برد؛ لیکن عرف معیار، عرف زمان و مکان تشریح حکم است و باید تسامح عرفی را حتی در تعیین دقیق علمی در نظر داشت.

حال که معیار در تحقق محاذات، صدق عرفی است، نه دقت عقلی، روشن است که محاذات عرفی از آن جهت که دیگر نیاز نیست در امتداد دقت علمی راست و چپ خط مستقیم فرد به میقات باشد، وسیع‌تر خواهد بود؛ ولی از آن جهت که محاذات عرفی بر مسافت طولانی صدق نمی‌کند - درحالی که محاذات عقلی صدق می‌کرد - بنابراین مبنا محدودتر است. (یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۶)

در ادامه باید بررسی کرد که آیا نزدیکی و دوری نقطه محاذی با میقات، در صدق عرفی محاذات دخالت دارد یا خیر؟ یعنی همان‌طور که پنج کیلومتری مسجد شجره را عرفاً محاذی می‌دانند، آیا دویست کیلومتری مسجد را هم عرف، محاذات می‌داند؟ در رابطه با میزان فاصله محاذات، (دور - نزدیک) دو نظریه کلی ارائه شده است: الف) محاذات در فاصله زیاد نیز صدق می‌کند؛ همان‌گونه که آمد، برخی از فقیهان (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۲۸۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۷۰؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۱۸؛ یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۹) برآنند که مواقیت در همه اطراف، محیط بر حرم قرار دارند و طبیعی است که اینان هرچند تصریح به صدق محاذات در فاصله دور نیز نکنند، لازمه نظرشان پذیرش محاذات از فاصله دور است. این دیدگاه نظر مشهور فقیهان امامیه و نظر همه فقیهان اهل سنت است. ب) محاذات فقط در نزدیک صدق می‌کند؛ مرحوم آیت‌الله حکیم معتقدند: نزدیکی و دوری دخالتی در صدق محاذات ندارد و فقط از آن جهت که روایت عبدالله بن سنان در مورد محاذات نزدیک است، اعتقاد به مطلق محاذات عرفی، بدون پشتوانه

خواهد بود. (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۷۸) برخی نیز مانند آیت‌الله خوئی می‌گویند: محاذات در فاصله زیاد صدق نمی‌کند و علی‌القاعده فاصله نباید بیش از مقداری باشد که به طور طبیعی - بدون در نظر گرفتن پستی و بلندی یا وجود درختان و غیره - میقات دیده نشود. (خوئی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۷۸؛ یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۵)

قابل ذکر است: بنابر فرمایش هر دو بزرگوار، اختلافی در حکم مذکور نیست؛ هر چند آقای حکیم بر آنند که در فاصله دور نیز، همانند نزدیک، محاذات صدق می‌کند، ولی معتقدند شرعاً حکم محاذات را نداشته و احرام در آن صحیح نیست. آقای خوئی نیز اساساً فاصله بعید را محاذات ندانسته و بنابراین هر دو قائل به عدم جواز احرام از فاصله دور هستند.

البته می‌توان به این نظریه اشکال کرد: چه آنکه محدود کردن محاذات به این فاصله اندک، دور از تصور بوده و عملاً فایده عمده‌ای بر آن مترتب نیست. ورود فردی که تا چند کیلومتری مسجد شجره به ذی‌الحلیفه آمده، کار سختی نیست. این دیدگاه با فلسفه تشریح محاذات برای سهولت در حج همخوانی ندارد. از جهتی دیگر، جواز احرام از محاذات در فاصله دورتر، اولی از جواز احرام از فاصله چندکیلومتری است؛ فردی می‌توانسته از شجره محرم شود و سپس از هر راهی که خواست، به مکه برود؛ اما امام علیه السلام نفرمود که از شجره محرم گردد؛ پس دیگران که دور از میقات هستند، به طریق اولی می‌توانند از محاذات محرم شوند.

روشن است که تعیین میزان قرب و بعد و مسافت بر عهده مکلف و تشخیص عرف و کارشناسان است؛ ولی از آن جهت که این مسئله، از مصادیق موضوعات مشکله است، ضروری است درباره تعیین مسافت محاذات شرعی با عنوان عرف و نه فقه، اظهار نظر شود. از طرفی این بخش بسیار کاربردی بوده و به نوعی ماحصل مبحث محاذات در آن تجلی می‌یابد؛ اما کتب فقهی به اندک به آن پرداخته‌اند.

در قدیم مسافت‌ها بر اساس میزان حرکت معمول کاروان‌ها گزارش می‌شد و برخی

از عناوین شرعی، مانند احکام مسافر، ناظر بر آن است؛ مثلاً مسافتی برابر با یک روز حرکت آن زمان را «منزل» می‌گفتند که معادل چهار فرسخ، یعنی ۲۲ کیلومتر است. هر «مرحله» نیز دو منزل و معادل هشت فرسخ و ۴۴ تا ۴۵ کیلومتر است. دو مرحله نیز برابر بانود کیلومتر خواهد بود. گفتنی است، فاصله مدینه تا مکه هشت مرحله و فاصله جحفه تا مکه سه مرحله و فاصله سه میقات دیگر - یلملم، قرن المنازل و عقیق (ذات غمره) - دو مرحله بوده است. مقدار فاصله دو مرحله را اقرب‌المواقیت می‌گویند.

برای تعیین میزان مسافت بین میقات تا تحقق محاذات، چند احتمال قابل طرح است: یک - میزان مسافت به مقداری است که میقات دیده شود؛ همانند مقداری که در حد ترخص گفته می‌شود. بنابراین حداکثر در حد ۴ تا ۵ کیلومتر خواهد بود. می‌توان آیت‌الله خوئی را قائل به این دیدگاه دانست. (خوئی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۷۸؛ یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۵)

دو - با توجه به صحیح عبدالله بن سنان، میزان مسافت را حداکثر تا «سِتَّةَ أَمْيَالٍ» (یازده کیلومتر) بدانیم.

سه - میزان مسافت به مقدار یک مرحله (۴۵ کیلومتر) باشد.

چهار - میزان مسافت به مقدار دو مرحله (نود کیلومتر) باشد. این مسافت برابر با اقرب‌المواقیت است.

پنج - میزان خاصی تعیین نمی‌شود و در فاصله زیاد نیز محاذات تحقق می‌یابد؛ به گونه‌ای که مواقیت محیط بر حرم فرض می‌شود و راهی را نمی‌توان تصور کرد که به میقات یا محاذی میقات برخورد نکند. صاحب جواهر (صاحب مستند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۲۸۳) و صاحب جواهر (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۱۸) و دیگران (طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۷۰؛ یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۹) بدین نظریه تصریح دارند. همچنین فقیهانی که قائل به جواز احرام مبحرین در دریا هستند، عملاً محاذات از فاصله دور را پذیرفته‌اند. (طوسی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۱۳؛ محقق حلی،

۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۴۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۱۶)

نگارنده، بر اساس فرضیه مقبول محیط مواقیت بر حرم، با خط فرضی میقات‌ها را به یکدیگر وصل نموده و فاصله بین هر دو میقات را اندازه‌گیری کرده است. نقطه وسط بین هر دو میقات نیز حداکثر فاصله تحقق محاذات عرفی در آن شعاع خواهد بود؛ روشن است که مقدار کمتر مشکلی برای تحقق محاذات عرفی نیست؛ اما ما درصدد معرفی حداکثر میزان مسافت صدق عرفی محاذات هستیم. بنابراین با توجه به دو طرف قرار داشتن میقات در هر ضلع، معیار در تعیین حداکثر مسافت، نصف بزرگ‌ترین ضلع خواهد بود. در مرحله بعد، فاصله بین تمامی میقات‌ها را با کمک نقشه‌های ماهواره‌ای و نرم‌افزارهای اینترنتی به دقت محاسبه، و مطابق قاعده، نصف بزرگ‌ترین ضلع این محیط را ملاک در تحقق محاذات معرفی می‌کنیم.

توضیح آنکه: فاصله ذی‌الحلیفه تا جحفه ۱۹۴ کیلومتر، جحفه تا یلملم ۲۳۶ کیلومتر، یلملم تا قرن‌المنازل ۱۱۶ کیلومتر، قرن‌المنازل تا ذات عرق ۳۳ کیلومتر و ذات عرق تا شجره ۲۹۰ کیلومتر است. نصف بزرگ‌ترین ضلع این محیط، یعنی جحفه تا یلملم را ملاک قرار داده و در نتیجه حداکثر ۱۲۰ کیلومتر فاصله تحقق محاذات عرفی معرفی می‌شود. علت معیار نصف قرار دادن فاصله بین دو میقات نیز، آن است که حداکثر نقطه فاصله در صدق تحقق محاذات عرفی را در نظر بگیریم و بدین سبب مقدار فاصله را تقسیم بر دو کرده‌ایم. گفتنی است هر چند ضلع ذات عرق تا شجره بزرگ‌ترین ضلع است، ولی با دقت در نقشه و در مسیر بودن محاذات میقات جحفه در آن میان، همان ضلع جحفه تا یلملم حداکثر ملاک خواهد بود. بنابراین حداکثر فاصله در صدق تحقق محاذات عرفی تا هر یک از میقات‌ها ۱۲۰ کیلومتر خواهد بود و بیش از آن عرفاً محاذات محسوب نمی‌شود.

به طور کلی، به نظر می‌رسد که انصراف روایت صحیح عبدالله بن سنان به محاذات نزدیک و معیار قرار دادن رؤیت میقات، در صدق عنوان محاذی پذیرفتنی نیست؛ چه آنکه دلیل یا قرینه‌ای آن مدعا را پشتیبانی نمی‌کند.

بدیهی است از آن جهت که طرح این میزان مسافت برای نخستین بار تحدید و برای نقد و ابرام تقدیم پژوهشگران شده است، امکان اشکال در صغرا و کبرای آن یا طرح میزان و مسافتی جدید، مفتوح خواهد بود.

نظریه دوم نیز خالی از اشکال نیست؛ زیرا در صحیح عبدالله بن سنان «سِنَّةٌ أَمِّيَالٌ» (کلینی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۳۲۱) شش میل مسافت آن روز مدینه (مبدأ) تا شجره را بیان کرده است؛ نه میزان مسافت شرعی برای صدق محاذی؛ به بیان دیگر، در آن روزگار کسی که از مدینه به سوی مکه در حرکت بوده، پس از شش میل به مسجد شجره می‌رسیده است؛ روایت دلالت ندارد فاصله کسی که در موازی و محاذی (چپ یا راست) مسجد تا شش میل قرار گرفته، شرعاً محاذی اطلاق می‌شود. بنابراین شرع در مورد مقدار قرب و بعد محاذی ساکت است.

به زعم نویسنده، دیدگاه سوم یا حتی چهارم، عرفاً معقول و پسندیده‌تر به نظر می‌رسد؛ اما نه قرینه‌ای آن را تأیید می‌کند و نه در بین قدمائلی بر آن یافت می‌شود. فقیهانی (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۱۶؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۲۲۳) هم که مسافت اقرب‌المواقیت - دو مرحله و عملاً به میزان همان دیدگاه چهارم - را در برخی مباحث طرح کرده‌اند، مرادشان این فاصله با مکه است؛ نه این فاصله بین دو میقات. ظاهراً در مجموع با توجه به متفاهم عرفی و فضای فقهی زمان صدور روایت (سیستانی، ۱۴۳۷، ج ۱۰، ص ۵۷۲) دیدگاه پنجم ارجح است؛ البته با محاسبه صورت گرفته حداکثر تا مسافت ۱۲۰ کیلومتر فاصله محاذی با میقات است و در فاصله بیش از این مقدار محاذات و هم‌راستایی صدق نمی‌کند و اگر هم ثبوتاً محاذات باشد، اثباتاً حکم میقات را ندارد؛ زیرا صحیح عبدالله بن سنان، که مهم‌ترین و تنها دلیل بر جواز احرام از محاذات است، شامل این گونه محاذات نیست.

محاذات در فضا

آیا محاذات در فضا نیز صدق می‌کند؟ آیا می‌توان با پرواز از فراز مواقیت، احرام

بست و اساساً صدق محاذات دارد؟

هرگاه منظور از محاذات در فضا، نقطه مقابل محاذات در زمین و از فاصله اندک باشد، علی‌القاعده حکمش تابع حکم محاذات از زمین و صحیح است؛ اما اگر مراد از احرام در محاذات در فضا، با فاصله زیاد و پروازهای کنونی هوایی باشد، می‌توان بدان اشکال کرد که این‌گونه احرام‌ها اولاً مستلزم استتلال است؛ ثانیاً اساساً فرض مسئله قابل تصور نیست؛ چه آنکه زمان عبور از مسجد شجره با هواپیما بسیار کوتاه است و در این زمان کوتاه نمی‌توان محرم شد؛ ثالثاً صدق عرفی محاذات از فوق دچار تردید جدی است؛ چه آنکه فاصله محاذات باید نزدیک و در چپ و راست باشد. (حسینی روحانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۶)

در پاسخ می‌توان گفت:

یک - مشکل استتلال را می‌پذیریم؛ اما بنا بر مبنای اینکه علم به ارتکاب محرمات موجب بطلان احرام نیست و فقط ثبوت کفاره لازم می‌آید، احرام چنین فردی اشکال ندارد و فقط باید کفاره بپردازد.

دو - هرچند با توجه به سرعت بسیار زیاد هواپیما، فرض انعقاد احرام از فوق مشکل است، ولی از آن جهت که وظیفه فقیه تبیین احکام احتمالی است و شاید با پیشرفت‌های آینده چنین فرضی تحقق یابد، هم‌اکنون نیز امکان توقف در هوا با بالگرد ممکن است. قابل ذکر است در میقات عقیق - که وسیع‌ترین میقات است - عادتاً می‌توان در فاصله عبور محرم شد یا آنکه تلبیه را تکرار و نیت کند هرگاه محاذی میقات واقع شد، همان تلبیه اصلی باشد.

سه - میزان ارتفاع هواپیماها کمتر از ۱۰ تا ۱۲ کیلومتر است و همان‌طور که روی زمین این مقدار فاصله را برای صدق محاذات کافی می‌دانیم، علی‌القاعده در آسمان نیز مشکلی نخواهد داشت. از جهت یمین و یسار نیز هرچند لغویون بر آن تأکید داشته‌اند، در روایت مرسله صدوق (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۳۳

و (۴۳۴) آمده است که حضرت رسول ﷺ در شب معراج از محاذات شجره احرام بست.

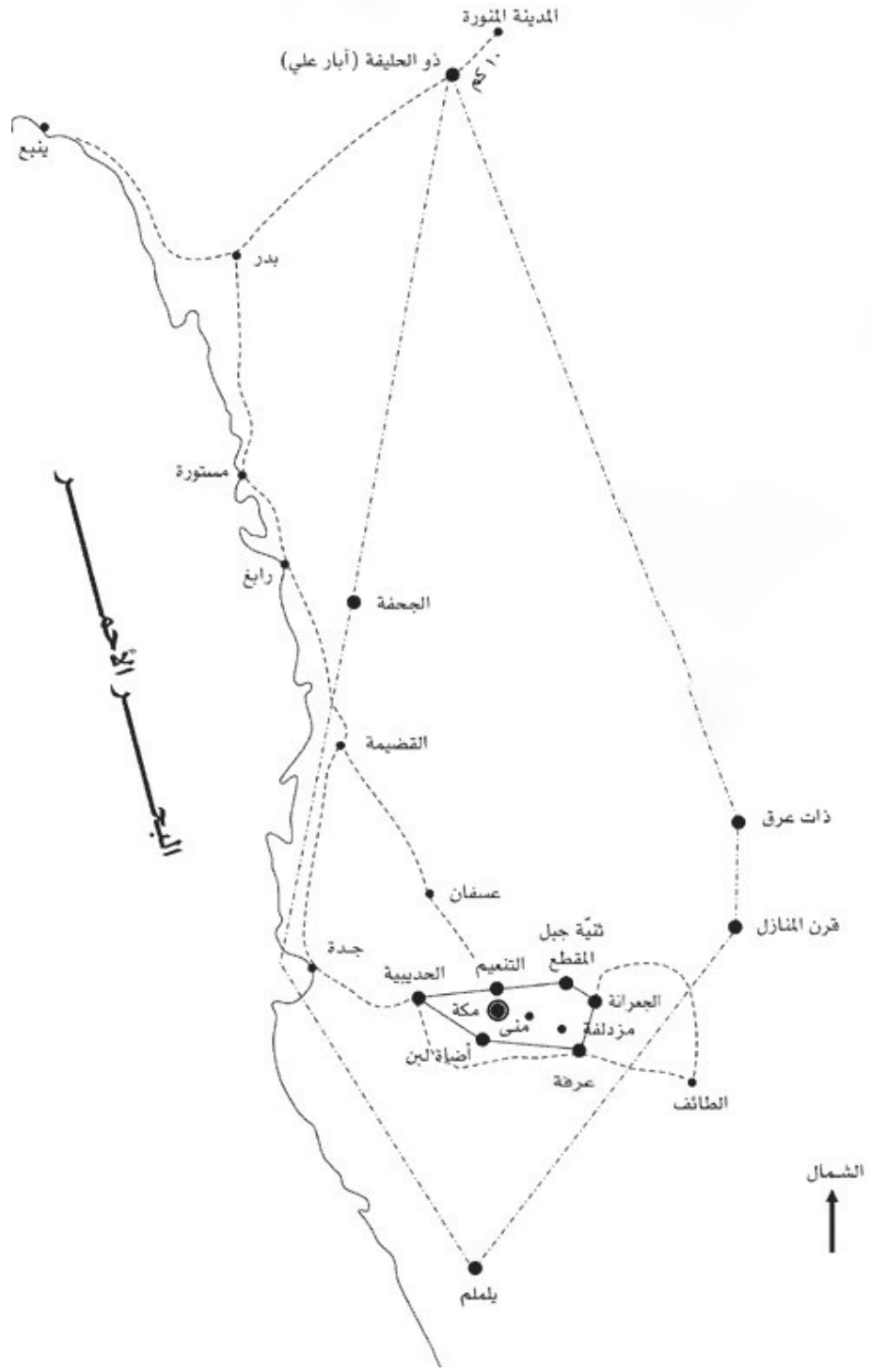
کوتاه سخن آنکه هرچند به برخی از اشکالات می‌توان جواب متقن دارد و برخی همچون آیت‌الله گلپایگانی (یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۶۳۸) در صورت احراز و تمکن از احرام، قائل به جواز شده‌اند، ولی از آن جهت که شمول روایت عبدالله ابن سنان بر محاذات از فوق ساکت است، تعمیم روایت به محاذات از بالا، حتی در فاصله زیاد، مشکل است.

نتیجه‌گیری

جواز احرام از محاذات میقات مسجد شجره میان مسلمین اتفاقی، و جواز احرام از محاذات سایر مواقیع دارای شهرت قوی میان فقهاست. به دلیل غالبی بودن قیود صحیح عبدالله بن سنان، دیدگاه مشهور پسندیده‌تر است. این جواز به طور مطلق است؛ یعنی چه فرد تمکن عبور یا بازگشت به میقات را داشته باشد و چه نداشته باشد. مراد از محاذات و هم‌راستای میقات، که امری عرفی و نه عقلی و با محاسبه دقیق ریاضی است، به گونه‌ای است که اگر از آن مکان به طرف مقصد (مکه) حرکت شود، میقات در سمت راست یا چپ و پشت قرار گیرد.

بر اساس فرضیه مقبول محیط میقاتی، ما برای نخستین بار با محاسبه فاصله بین مواقیع به این نتیجه رسیدیم که محاذات حداکثر تا ۱۲۰ کیلومتر تحقق می‌یابد؛ چه آنکه فاصله جحفه تا یلملم، که بیشترین مسافت بین دو میقات غیر متداخل است را مبنا قرار داده و نصف آن را معیار در تعیین صدق محاذات عرفی معرفی کرده‌ایم؛ در نتیجه اگر کسی بیش از این مقدار ادعای محاذات کند، ثبوتاً قابل پذیرش است؛ ولی اثباتاً حکم میقات را ندارد؛ زیرا صحیح عبدالله بن سنان، که مهم‌ترین دلیل بر جواز احرام از محاذات است، شامل این گونه محاذات نیست. در احرام از بالای میقات

نیز، هر چند در صورت احراز و تمکن از احرام می‌توان قائل به جواز شد، از آن جهت که شمول روایت بر محاذات از فوق ساکت است، تعمیم روایت به محاذات از بالا، حتی در فاصله زیاد مشکل است و احراز شمول ادله بر تحقق محاذات از فوق ثابت نیست.



فهرست منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد، (۱۴۱۰ق.)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن حزم، علی بن احمد، (۱۳۶۶ق.)، المحلی، عبدالغفار سلیمان البنداری، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۳. ابن سعید حلّی، یحیی بن احمد، (۱۴۰۵ق.)، الجامع للشرائع، قم.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۵۱ق.)، معالم العلماء، عبدالله تبریزی نجفی.
۵. ابن عابدین، (۱۴۱۲ق.)، الدر المختار وحاشیة ابن عابدین (رد المحتار)، بیروت، دار الفکر.
۶. ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن أحمد، (۱۳۸۸ق.)، المغنی والشرح الكبير، قاهرة، دار الحديث.
۷. بحرانی، یوسف بن احمد، (۱۴۰۵ق.)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، محمدتقی ایروانی و سید عبدالرزاق مرقم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۸. بروجردی، مرتضی، (بی تا)، مستند العروة الوثقی، دارالمورخ العربی.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۳ق.)، وسائل الشیعة، عبدالرحیم شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث.
۱۰. حسینی روحانی، محمد، (۱۴۱۹ق.)، المرتقی الی الفقه الارقی، عبدالصاحب الحکیم، بیروت، دارالجلی.
۱۱. حکیم، سید محسن، (۱۴۱۶ق.)، دلیل الناسک (تعلیقة وجیزة علی مناسک الحج للنائینی)، مدرسة دارالحکمة.
۱۲. _____، (۱۴۱۶ق.)، دلیل الناسک، قم، مؤسسه المنار.
۱۳. _____، (۱۴۱۶ق.)، مستمسک العروة الوثقی، چاپ اول، قم، مؤسسه دارالتفسیر.
۱۴. حلبی، علی بن حسن، (۱۴۱۴ق.)، إشارة السبق، ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۵. حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق.)، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۶. حوزة نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، (۱۳۸۶ش.)، مناسک حج محشی، نشر مشعر.
۱۷. خوئی، ابوالقاسم، (۱۴۱۹ق.)، المعتمد فی شرح العروة الوثقی، محمدرضا موسوی خلخالی، قم، لطفی.
۱۸. _____، (۱۴۱۹ق.)، المعتمد فی شرح المناسک، رضا خلخالی، قم، منشورات مدرسه دارالعلم، لطفی.
۱۹. رافعی، عبدالکریم بن محمد، (۱۴۱۷ق.)،

- العزیز شرح الوجیز، تحقیق علی معوض و عادل عبدال موجود، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۰. _____، (بی تا)، فتح العزیز، دارالفکر.
۲۱. رعینی، الخطاب، (۱۴۱۶ق.)، مواهب الجلیل، کریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۲. سبحانی، جعفر، (۱۴۲۶ق.)، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، قم، مؤسسه امام الصادق علیه السلام.
۲۳. سیستانی، محمدرضا، (۱۴۳۷ق.)، بحوث فی شرح مناسک الحج، امجد ریاض و نزار یوسف، بیروت، دارالمورخ العربی.
۲۴. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق.)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵ق.)، علل الشرائع، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، نجف.
۲۶. _____، (۱۴۰۴ق.)، کتاب من لا یحضره الفقیه، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی.
۲۷. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، (۱۴۰۴ق.)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، عباس قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲۸. طباطبائی، سید علی بن محمد، (۱۴۱۸ق.)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام، محمد بهره مند، محسن قدیری، کریم انصاری و علی مروارید، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۹. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۶۲ق.)، مجمع البحرین، سیداحمد حسینی، انتشارات مرتضوی.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۴۲ق.)، رجال الطوسی، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. _____، (۱۳۶۵ش.)، تهذیب الاحکام، موسوی و آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۳۲. _____، (۱۳۸۷ق.)، المبسوط فی فقه الإمامیة، سید محمد تقی کشفی، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۳۳. عاملی، زینالدین بن علی بن احمد (شهید ثانی). (۱۴۱۳ق.)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۳۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۱ق.)، خلاصة الاقوال، مشهد، آستان قدس رضوی.
۳۵. _____، (۱۴۱۱ق.)، خلاصة الاقوال فی معرفة أحوال الرجال، قم، دار الذخائر.
۳۶. _____، (۱۴۱۳ق.)، قواعد

- الأحكام في معرفة الحلال و الحرام، دفتر انتشارات اسلامي، قم، انتشارات اسلامي.
۳۷. _____، (۱۴۱۳ق.)، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، دفتر انتشارات اسلامي، قم، انتشارات اسلامي الفقهية.
۳۸. _____، (۱۴۱۴ق.)، منتهى المطلب في تحقيق المذهب، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، آستان قدس رضوي.
۳۹. فاضل هندي، محمد بن حسن بن محمد، (۱۴۱۶ق.)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، نشر اسلامي.
۴۰. فياض، محمد اسحاق، (بي تا)، تعاليق مبسوبة على العروة الوثقى، محمد كاظم ابن عبد العظيم يزدي، قم، محلاتي.
۴۱. كشي، محمد بن عمر، (۱۳۴۸ش.)، اختيار معرفة الرجال، تصحيح حسن مصطفوي، مشهد مقدس، دانشكده الهيات و معارف اسلامي.
۴۲. كليني، محمد بن يعقوب، (۱۴۱۳ق.)، فروع من الكافي، دارالاضواء.
۴۳. الكاساني، علاء الدين، (۱۴۰۹ق.)، بدائع الصنائع، باكستان، المكتبة الحسينية.
۴۴. محقق حلي، جعفر بن حسن، (۱۳۸۹ق.)، شرائع الاسلام، نجف اشرف، طبع آداب.
۴۵. محقق داماد، محمد، (۱۴۰۱ق.)، كتاب الحج، قم، چاپخانه مهر.
۴۶. محقق سبزواري، محمد باقر بن محمد مؤمن، (۱۳۸۱ش.)، كفاية الفقه (كفاية الاحكام)، مرتضى واعظي اراكي، قم، انتشارات اسلامي.
۴۷. _____، (بي تا)، ذخيرة المعاد في شرح الارشاد، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۴۸. مرادوي، علي بن سليمان، الانصاف في معرفة الراجح من الخلاف على مذهب الامام أحمد بن حنبل، منشورات محمد علي بيضون، دارالكتب العلمية.
۴۹. مقدس اردبيلي، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ق.)، مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، مجتبي عراقي، شيخ علي پناه اشتهاردی و حسين يزدي اصفهاني، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
۵۰. موسوي عاملي، محمد بن علي، (۱۴۱۱ق.)، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، بيروت، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۵۱. نجاشي، أحمد بن علي، (۱۴۰۷ق.)، رجال النجاشي، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۵۲. نراقي، احمد بن محمد مهدي، (۱۴۱۵ق.)، مستند الشيعة في أحكام الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۵۳. نووي، يحيى بن شرف، (بي تا)، المجموع شرح المذهب، بيروت، دارالفكر.
۵۴. يزدي، سيد محمد كاظم، (۱۴۲۰ق.)، العروة الوثقى، قم، النشر الاسلامي.